

## واکاوی خطبه «نکوهش مردم بصره» امام علی (ع) با توجه به بافت متنی و بافت موقعیتی

سیداسماعیل حسینی اجداد نیاکی\*

سیده اکرم رخشنده‌نیا\*\*، حسینعلی ایازی\*\*\*

### چکیده

متون ادبی به واسطه‌ی چند لایه‌بودنش، با تأویل‌ها و تفاسیر مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی همراه است. هدف اصلی خطیب، اقناع مشارکین است. به همین سبب، باید با عوامل بافت متنی (درون‌زبانی) و بافت موقعیتی (بیرون‌زبانی) نظیر بافت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آشنایی داشته باشد تا بتواند در اقناع مخاطبان از آن استفاده کند. خطبه‌ی نکوهش مردم بصره از مجموعه سخنرانی‌های زیبا و تأثیرگذار علی (ع) می‌باشد که بعد از پیروزی در جنگ جمل، در مسجد جامع بصره، ایراد فرمودند. فضای این خطبه آکنده از توبیخ مردم پیمان‌شکن بصره است که منافقانه و در پی اطاعت از خواص بی‌بصیرت، شورش کردند. در این مقاله، ضمن اثبات شناخت ویژگی‌های تأثیرگذار این خطبه در شناساندن مخاطبان، به تحلیل بافت متنی و موقعیتی آن می‌پردازیم. از نتایج مهم پژوهش، بیان زیبایی‌های ادبی این خطبه در حیطه‌ی تحلیل متن و اثبات وجود هماهنگی بین گفتمان این خطبه و موقعیت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در ورای ظاهر این خطبه می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** امام علی (ع)، بافت متنی، بافت موقعیتی، خطبه، نکوهش مردم بصره.

---

\* دانشیار گروه عربی دانشگاه گیلان، d.hoseini54@gmail.com

\*\* استادیار گروه عربی دانشگاه گیلان، rakhshandeh1982@yahoo.com

\*\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد گروه عربی دانشگاه گیلان، hosinaliyazi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۲/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۲۸

## ۱- مقدمه

خطابه و خطاب به معنی سخن گفتن رو در رو (الفراهیدی، ۱۴۰۵ق، ماده «خطب») و در اصطلاح منطق، آرایه‌ای علمی است که هدف آن اقناع مخاطب می‌باشد (فارابی، ۱۴۰۸، ج ۱: ۴۵۶؛ ابن سینا، ۱۳۷۳: ۱۵؛ ابن رشد، ۱۹۶۷: ۲۸).

صاحب‌نظران منطق معتقدند بهترین شیوه برای اقناع مخاطب عوام، کاربرد صناعت خطابه است؛ زیرا چنان در روان مردم تأثیر می‌گذارد که حتی اگر صدق یا شهرت بحث خطابی را نپذیرند، ناخودآگاه از آن منفعل و به فعل وادار می‌شوند. از این روست که در اکثر ملت‌ها و مذاهب، کسانی هستند که با مقیاس‌های اقناعی دل مردم را به مسلک دل‌خواهشان متمایل می‌کنند (حلی ۱۳۸۱: ۳۸۶).

خطبه هنری بی بدیل از جانب سخنوران توانا است که در موضوعات مختلف زندگی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حماسی و ... به قصد تأثیرگذاری بر مخاطب مورد استفاده قرار می‌گیرد.

از جمله فواید مهم خطابه، تشویق و ترغیب مردم به انجام اعمال فاضله و دوری کردن از رذایل اخلاقی، اعتقادی و عملی است (ضیایی، ۱۳۷۷: ۸).

با توجه به جایگاه خطبه، اسلوب بیانی علی (ع) در خطابه از زیبایی فراوانی برخوردار است. اوج فصاحت، بلاغت و زیبایی خطبه‌های حضرت امیر (ع) زمانی بروز می‌یابد که ایشان با توجه به موقعیت، بهترین کلام را متناسب با آن جایگاه بیان می‌دارد. به عبارت دیگر، زیبایی‌های تمام ساختارهای متنی کلام ایشان، از ساختارهای کلی و بنایی آن تا ساختارهای اسلوبی و درونی همگی در ارتباط با بافت موقعیتی آن ظهور پیدا می‌کند و روش «تحلیل گفتمان بافت متنی و موقعیتی» راهی برای کشف این زیبایی‌ها و ارتباطات است.

تحلیل گفتمان یا سخن کاوی Discourse Analysis چگونگی تبلور و شکل‌بندی معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون زبانی (بافت متنی) و عوامل برون زبانی (بافت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و تاریخی) بررسی می‌کند (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۱: ۱۰). در واقع، تحلیل گفتمان رویکردی میان رشته‌ای است که به مطالعه‌ی ساختارهای متون می‌پردازد و برای آن که چگونگی تکوین معنا را توضیح دهد، ویژگی‌های زبانی، اجتماعی و فرهنگی متون را مورد بررسی قرار می‌دهد (مکاریک Makaryk irena rima، ۱۳۸۴: ۲۶۰).

در تحلیل گفتمان، دو عنصر مهم مورد بررسی قرار می‌گیرند؛ یکی بافت متن و دیگری بافت موقعیت. منظور از بافت متن این است که یک عنصر زبانی در چارچوب چه متنی قرار گرفته است و جملات ماقبل و مابعد آن عنصر در داخل متن، چه تأثیری در تبلور صوری، کارکردی و معنایی آن دارند (تاجیک، ۱۳۷۹: ۲۴). در عرصه‌ی تحلیل بافت متنی که توصیف ساختارهای متن می‌باشد، به بازنمایی ویژگی‌های صوری متن، که باعث انسجام و پیوند واژگانی میان جملات است، پرداخته می‌شود. ویژگی انسجامی در هر متن، ویژگی‌های صوری متنی را بیان می‌کند که دارای نقش پیوندی و سرنخی از پیوند ایجاد شده میان یک جمله و جمله‌ی دیگر است (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۹۹) fairclough Norma. همچنین در تحلیل بافت متنی، یکی از غرض‌ها و انگیزه‌های خوانش متن دستیابی به جلوه‌های زیبا شناختی متن است (گرجی، ۱۳۹۰: ۱۸۰).

و اما در بافت موقعیتی، یک عنصر یا متن در چارچوب موقعیت خاصی که تولید شده است، بررسی می‌شود (بهرام پور، ۱۳۷۹: ۱۴۲). زبان‌شناسان جدید از متن به عنوان شبکه‌ای هوشمند تعبیر نموده‌اند که رویدادی نامتناهی و بدون چارچوب نبوده و دارای رموزی برای کشف و ایده‌ی حقیقی نویسنده یا متکلم می‌باشد و تحلیل گفتمان و واکاوی بافت موقعیتی یک متن، در جهت شناسایی این رموزها و در نتیجه، کشف اندیشه‌ی اصلی حاکم بر متن، گام بر می‌دارد (خمیری، ۱۹۹۹: ۲۱).

هر متن یا اثر ادبی به عنوان جریانی اجتماعی مطرح می‌شود. (دائل دایان Macdonell، ۱۳۸۰: ۵۵)؛ از این منظر، می‌توانیم تحلیل بافت موقعیتی را نوعی نقد اجتماعی بدانیم. این نوع روش تحلیل بر آن است تا عوامل اجتماعی پدیدآورنده‌ی نوع خاص ادبیات را بیابد و نیز بررسی تأثیر ادبیاتی خاص را در جامعه مدنظر دارد (فرزاد، ۱۳۸۸: ۷۱). به طور کلی سعی می‌شود در فرایند تحلیل بافت موقعیتی، شاخصه‌هایی اعم از فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، مذهبی و یا هنج‌ارهایی که مدنظر پدید آورنده‌ی متن بوده است، کشف گردد. همچنین پرداختن به تفسیرهای مشارکین گفتمان در مورد یک اثر، و میزان تأثیرپذیری متن مورد بررسی، با سایر متون در قالب مسأله‌ی بینامتنیت از جمله وظایف تحلیلگر در عرصه‌ی بافت موقعیتی خواهد بود (پالمر frank.R.PaLmar، ۱۳۹۱: ۹۱؛ ساسانی، ۱۳۸۹: ۱۹۷).

با توجه به جایگاه ذکر شده بر خطابه و تحلیل گفتمان متون، به واکاوی بافت متنی و بافت موقعیتی خطبه «نکوهش مردم بصره» امام علی(ع) که تبیین زیبایی‌ها و نوآوری‌های

موجود در یک متن است، پرداخته می‌شود و تأکید بر آن است که گفتمان این خطبه بر اساس بافت متنی و بافت موقعیتی تحلیل گردد. در روش شناختی بافت متنی به ویژگی‌های صوری متن چون کاربرد واژگان، نکات نحوی، ارتباط میان جملات، بافت موسیقایی کلام و ... اشاره می‌شود و خواننده را برای درک هر چه بهتر خطبه آماده می‌سازد و در بافت موقعیتی، این خطبه را بر حسب رویه‌های ارتباطی، تأویل ساختار متن، توالی عناصر آن و روابط اجتماعی حاصل از تعامل عناصر و سازه‌های متن را جهت تحلیل در نظر می‌گیریم.

خطبه «نکوهش مردم بصره»، از زیبایی فراوانی برخوردار است. این خطبه از صدق عاطفه و خیال شورانگیز برخوردار است و با عبارات حماسی و هیجانی به بیان حوادث روزگار تلخ زمان حضرت (ع) می‌پردازد؛ در این جاست که رسایی سخنش (ع) از قلب دردناکش برمی‌خیزد و کلام خود را با آهنگی نیرومند و مؤثر می‌آراید و با در نظر گرفتن سخن با مقتضای حال هنرنمایی می‌کند که چنین دقت و بلاغتی را در این سطح والا تنها در قرآن کریم شاهد هستیم. دقتی که نمونه بی‌بدیل بافت استوار از پیوند لفظ و معناست (جرداق، بی‌تا: ۱۷۱-۱۷۵). این خطبه بعد از آن که مولا علی (ع) موفق به دفع فتنه‌ی جنگ جمل شدند، ایراد گردید، اما حضرت برخلاف سایر فاتحین در نبردها که باید شادمان از پیروزی باشند با قلبی آکنده از درد و رنج - که ناشی از فتنه‌انگیزی دوستان دیروز و دشمنان امروز است - سعی در بیدار نمودن وجدان خفته مردم دارند و این خاطر رنج‌آلود در کلام مولا متبلور است.

ایشان تلاش دارند با الفاظ و عباراتی تند و تویخ‌آمیز و هشدار مبنی بر نزدیکی زمینه‌های خشم الهی، وظیفه‌ی هدایت مردم و هوشیار نمودن آن‌ها را انجام دهند. اوج فصاحت و بلاغت این خطبه زمانی بروز می‌یابد که ایشان با توجه به موقعیت، بهترین کلام را متناسب با آن جایگاه بیان می‌دارد. به عبارت دیگر زیبایی‌های تمام ساختارهای متنی کلام ایشان، از ساختارهای کلی و بنایی آن تا ساختارهای اسلوبی و درونی همگی در ارتباط با بافت موقعیتی آن ظهور پیدا می‌کند.

## ۲- هدف پژوهش

هدف اصلی این مقاله کشف زیبایی‌ها و ظرافت‌های متنی در خطبه‌ی نکوهش مردم بصره، و اثبات هماهنگی و تناسب متن ایراد سخن با بافت موقعیتی آن خواهد بود. همچنین

واکاوی شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی برای کشف مطالب مدنظر حضرت (در چارچوب تحلیل بافت موقعیتی) از دیگر اهداف این مقاله است. در ضمن به مسأله‌ی مهم «بینامتنیت» با نشان دادن ارتباطات میان کلام علوی و آیات قرآن کریم نیز پرداخته می‌شود.

### ۳- سؤالات پژوهش

- ۱- حضرت علی(ع) برای انتقال مفاهیم مدنظر خود به مخاطبان، چه ظرافت‌ها و نکاتی را در متن خطبه‌ی خویش (بافت متنی) رعایت نمودند؟
- ۲- چه شرایطی اعم از زمینه‌ی ایراد خطبه، و یا شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی (بافت موقعیتی) برای این سخنرانی مدنظر حضرت امیر(ع) بوده است؟
- ۳- میزان تأثیرگذاری قرآن کریم (بینامتنیت) بر روی کلام و سخنرانی حضرت علی(ع) تا چه حدی بوده است؟

### ۴- فرضیات پژوهش

- ۱- امام علی(ع) در خطبه‌ی خود انواع فنون مختلف بلاغی و ادبی و خطابی را به کار می‌گیرند تا بر تأثیر سخنان خود بر مردم بیفزایند و آن‌ها را از غفلت و جهل در اطاعت از خواص بی‌بصیرت و منافقان، بر حذر دارند.
- ۲- بافت‌های سیاسی، فرهنگی و تاریخی و واکاوی این موارد بر تأثیرگذاری این خطبه افزوده است.
- ۳- حضرت امیر(ع) برای تبیین ایده‌های خود در برابر مخاطبان، از آیات قرآن نیز بهره برده‌اند (بینامتنیت)، تا از موضع قدرت و ایدئولوژیک برای اثبات عقاید و اهداف خود در اذهان مخاطبان بهره‌مند شوند.

### ۵- پیشینه‌ی پژوهش

همواره کلام امیرالمؤمنین علی(ع) به دلیل دارا بودن زیبایی‌های بی‌شمار مورد علاقه‌ی پژوهشگران عرصه‌ی علم و ادب بوده است. از جمله آن‌ها می‌توان به پژوهش‌های بررسی

سبک‌شناسانه خطبه جهاد حضرت امیر(ع) از حسن برزنونی، بررسی زیباشناسی اسلوب‌های زبان در نهج‌البلاغه از قاسم بستانی، تحلیل گفتمان انتقادی خطبه‌ی شش‌شنبه بر اساس الگوی فرکلاف از احمد رضایی و سبک‌شناسی ادبی خطبه اول نهج‌البلاغه از سید ابوالفضل سجادی که در مجموعه مقالات همایش‌های نهج‌البلاغه و ادبیات چاپ شده و از سوی مؤسسه‌ی قرآن و نهج‌البلاغه و به همت انتشارات نشر منتشر گردیده است، اشاره کرد. اما تاکنون، پژوهشی درباره‌ی تحلیل و بررسی کلام علی (ع) بر اساس تحلیل بافت متنی و موقعیتی خطبه‌ی «نکوهش مردم بصره» انجام نشده است.

### شرایط ایراد خطبه و بافت موقعیتی آن

امیر مؤمنان علی (ع) پس از گرفتن زمام امور جامعه، برنامه‌های انسانی و اسلامی خویش را برای اصلاحات عمیق و بنیادی آغاز و تلاش نمودند تا بدعت‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و عقیدتی را برچینند و شیوه‌های نادرست و ظالمانه را یکی پس از دیگری کنار گذارند و سبک و سیره‌ی عادلانه و انسانی پیامبر(ص) را احیاء نمایند.

این جا بود که برتری‌طلبان و امتیازخواهان از سیاست عادلانه و تساوی‌طلبانه‌ی دولت مردمی و عدالت‌خواه علوی به خشم آمدند و به همین سبب، آفت پراکندگی و اختلاف در صف بیعت‌کنندگان با آن حضرت پدید آمد و تباهی، فتنه و نفاق، گسترش یافت.

همان‌هایی که گروه گروه به بیعت با علی (ع) مبادرت می‌کردند، اکنون پرچم مخالفت با او را برداشتند و به بهانه‌ی خون‌خواهی عثمان بر ضد علی (ع) شوریدند؛ در این میانه طلحه و زبیر که همواره سودای خلافت در سر داشتند با حمایت‌های مالی و معنوی ام‌المؤمنین عایشه سردمداران مخالفان بودند.

جماعت مخالف امام علی(ع)، به بهانه خون‌خواهی عثمان بر ایشان(ع) شورش نموده و قصد تصرف بصره کردند و در این مسیر، خیرخواهی دیگر همسران پیامبر همچون ام‌سلمه برای دفع فتنه سودی نبخشید. جماعت فتنه‌جو، با ورود به بصره و ایجاد آشوب و خون‌ریزی به تحریک مردم آنجا پرداختند و افراد زیادی نیز به صرف آن که طلحه و زبیر و دیگر خواص، رهبری شورش را عهده‌دار بودند، جریان شورش را حق پنداشتند.

خبر فتنه‌ی بزرگ به علی (ع) رسید و ایشان با شنیدن همه‌ی دیدگاه‌ها و روشن‌گری‌های لازم، فرمان حرکت دادند. ایشان بعد از وارد شدن به بصره، با گفتگو و درخواست صلح،

سعی در دفع فتنه داشتند اما طرف مقابل بر جنگ و خونریزی اصرار کرد که سرانجام مولا علی (ع) توانستند بر فریبکاری‌ها و فتنه‌انگیزی‌های سپاه جمل پیروز شوند. حضرت پس از تمام شدن غائله فتنه وارد مسجد شدند و به سرزنش پیمان‌شکنان بی‌بصیرت بصره پرداختند؛ چون آنان نخستین گروهی بودند که فریب فتنه‌گران را خوردند و در برابر امام خود به ناحق ایستادند. از این رو، حضرت، خطبه‌ای سراسر توبیخ و سرزنش ایراد نمودند و مردم بصره و همه‌ی ساکتین فتنه را از ترک امر به معروف و نهی از منکر و سکوت در برابر گناهکاران و فتنه‌گران برحذر داشتند و به نزدیک بودن عذاب و خشم الهی هشدار دادند (قروینی، ۱۳۸۶: ۶۶۵-۵۰۰).

## ۶- بررسی و تحلیل بافت متنی و موقعیتی خطبه

كُنْتُمْ جُنْدَ الْمَرْأَةِ وَ اتَّبَاعَ الْبَيْمَةِ، رَغَا فَاجَبْتُمْ، وَ عُقِرَ فَهَرَبْتُمْ. (ابن میثم، ج ۱، ۲۸۹)

«شما سپاه یک زن و پیروان حیوان بودید. تا شتر صدا می‌کرد می‌جنگیدید و تا حیوان کشته شد فرار کردید.»

بافت متنی: در بافت متنی به ویژگی‌های صوری متن چون کاربرد واژگان، نکات نحوی، ارتباط میان جملات، بافت موسیقایی کلام و ... اشاره می‌شود که خواننده را برای درک هر چه بهتر خطبه آماده می‌سازد.

در بافت متنی این بخش از خطبه، حضرت خطبه را بدون مقدمه و فضا‌سازی آغاز کردند و مستقیماً با شدیدترین عبارات به نکوهش و سرزنش مردم بصره اقدام نمودند. در این راستا، خطبه را با ایجاز حذف از نوع حذف موصوف آغاز کردند و موصوف «یا اهل البصره» را حذف نمودند تا از این طریق هم سخن را کوتاه نمایند و هم ناگواری و عصبانیت خویش را به مردم القا کنند و نیز از طریق ایجاز به نکوهش مخاطبان پردازند (هاشمی، ۱۳۸۸: ۴۰۶).

حضرت، مردم بصره را با عبارت «جُنْدَ الْمَرْأَةِ» مورد خطاب و عتاب قرار می‌دهند و از این طریق آنان را که به هنجارها، عقاید و باورهای خویش پایبند نبودند، نکوهش کنند. آنان لشگر و سپاه یک زن بودند و چون گفتار و اندیشه زنان در میان عرب به طور کامل مورد پذیرش نیست، امام مردم بصره را با عبارت «جند المرأة» ملامت می‌فرمایند.

«کسی که با آن‌ها مشورت یا بیعت کند از زنان در رأی ضعیف‌تر است؛ زیرا هر پیرو از راهنمای خود در عقل و فهم مسأله‌ی مورد نظر در سطحی پایین‌تر قرار دارد. بنابراین توبیخ مردم بصره به وسیله‌ی امام به خاطر این که لشکر و یاور زن بودند، شایسته و زیباست» (ابن میثم، ۱۳۸۸، ج ۲: ۸۲).

در ادامه‌ی خطبه، حضرت اهالی بصره را با واژگانی شدیدتر مورد نکوهش قرار می‌دهد و آنان را «اتباع البهیمه» یعنی پیرو حیوان معرفی می‌کند. منظور از این حیوان شتر عایشه است، که نشانه و علامت سپاه بصره بود و بسیاری از جنگجویان در زیر این نشانه به هلاکت رسیدند (ابن ابی الحدید، ۱۴۲۵، ج ۲: ۱۸۹).

از نکات بارز بافت موقعیتی این خطبه قداست‌بخشی به شتر و محمل عایشه است. «جنگ اطراف شتر عایشه از صحنه‌های تأسف‌بار جنگ جمل است. صدها تن از قبایل قریش، بنی ناجیه، بنی ضبه، ازد و بنی عدی در اطراف شتر کشته شدند» (طبری، ۱۳۷۵، ج ۶: ۲۴۵۳).

برخی از خواص فتنه‌گر با تکیه بر نقاط ضعف برخی از این قبایل و با سخنانی مرصع و منطبق بر روان‌شناسی خاص و با استفاده از جهل و تعصب آن‌ها، موجب تشویق و مقاومت جنگجویان آن قبایل گردید.

در همان حال که سرها از بدن جدا می‌شد و دست‌ها از آرنج فرو می‌افتاد و شکم‌ها دریده می‌شد آنان هم‌چون دسته‌های ثابت ملخ بر گرد شتر بودند و از جای تکان نمی‌خوردند و عقب نمی‌نشستند تا آن که علی (ع) با صدای بلند فرمان داد: ای وای بر شما، این شتر را پی کنید که شیطان است (شیخ مفید، ۱۴۱۶: ۳۴۸). زیرا تعصب جنگجویان بصره نسبت به شتر، تا اندازه‌ای بود که پشکل شتر را می‌بوئیدند و می‌گفتند: پشکل این شتر، از مشک هم خوش‌بوتر است (نویری، ۱۳۶۴، ج ۵: ۱۴۸).

در نهایت، مالک اشتر به همراه عمار و با کمک تنی چند از سپاهیان امام علی (ع) دست و پای این شتر را قطع کردند و سپاهیان بصره را از اطرافش پراکنده ساختند.

با در نظر گرفتن این بافت موقعیتی، توبیخ و سرزنش در عبارت «رَغَا فَاجَبُّمُ، وَ عَقِرَ فَهَرَبْتُمُ» بعد از یادآوری خاطرات جنگ در مسجد بصره شدیدتر می‌شود؛ حضرت (ع) آنان را ملامت می‌فرماید که تا چه اندازه ارزش‌های انسانی خود را نادیده گرفتند و با سر و صدای یک شتر کنترل می‌شدند و به هیجان درمی‌آمدند و همین که آن شتر کشته شد، همگی پا به فرار گذاشتند.



ویژگی دیگر این بند، دلالت آشکار فعل‌های آن است که از جهت ساختارهای نحوی، بیشتر به صورت ماضی آمده است که روایی بودن متن خطبه را در این بند اثبات می‌کند. حضرت(ع) برای بیان مقصود خود، توییح مشارکین و تحریک خرد آنان، با کمک بافت موقعیتی، از واقعه‌ی تلخی روایت می‌کنند که در گذشته نزدیک اتفاق افتاده است.

در ساختارهای نحوی این گفتمان، افعال «کنتم»، «رغا»، «أجبتم» و «عقر» بر «کنتم» جملگی فعلیه و ماضی است و دلیل این حالت، نوعی اتحاد جمله‌ها در خبریه بودن است. استفاده از چند فعل ماضی به صورت پی در پی، نمادی از به تصویر کشیدن گذشته‌ی زشت و ناشایست بصریان است و همچنین استفاده از جملات فعلیه، موقتی بودن زندگی ناشایست و گذشته تلخ آنان را نمایان می‌کند؛ امری که به زودی ضمن سپری شدن این حالت تلخ و زشت، آنان را به فرجام بد اخروی رهسپار می‌کند.

تغییر فرایندهای فعلی و تنوع آن، نشانه‌ی آن است که خطیب به دنبال تغییر فضای حاکم بر خطبه است. بررسی عدم تغییر فرایندهای فعلی و عدم تنوع آنها در این فعل‌های ماضی، نشان از این دارد که ایشان(ع) به دنبال تغییر فضای حاکم بر خطبه نیستند تا فضای سرد و سخت توییح و ملامت بر بصریان استمرار یابد و تصاویر زشت رفتار آنان اثبات گردد. به همین سبب ایشان در توصیف رفتار کوفیان از افعال کلامی استفاده نمی‌کنند و بیشتر از افعال رابطه‌ای و مادی بهره می‌برند.

أَخْلَاقُكُمْ دِقَاقٌ وَعَهْدُكُمْ شِقَاقٌ وَدِينُكُمْ نِفَاقٌ وَمَاؤُكُمْ رُعَاقٌ. المقيم بين أظهركم مرتهنٌ بذنبه، و الشّاخص، عنكم متدارك برحمة من ربّه.

اخلاقتان ضعیف و کم مایه، پیمانتان ناپایدار و بی‌پایه، دیتتان نفاق و تفرقه، و آبتان شور و بد مزه است. آن کس که میان شما اقامت گزیند، گروگان همین گناه خود (یعنی اقامت در سرزمین شما) و گرفتار است، و آن کس که از سرزمین و میان شما کوچ کند مشمول رحمت خاصّ پروردگار است (طالقانی، ۱۳۷۴: ۲۰۴)

امام علی(ع) در این فراز از خطبه، لحظه به لحظه بر شدت سرزنش‌های خویش می‌افزاید و بعد از آن که اهالی بصره را پیروان یک زن و تبعیت‌کنندگان از یک حیوان معرفی می‌کنند، اخلاق و رفتارشان را با اسلوب کنایه، به باد انتقاد گرفته و آنها را دارای اخلاق و منشی حقیر و پست می‌دانند که دارای صفات ناپسند و رذیله‌ای هم‌چون شکستن عهد و پیمان و نفاق هستند (کاشانی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۱۷۸).

اسمیه بودن چند جمله پی‌درپی، خود دال بر ثبوت و استمرار همیشگی آن است و به‌کارنرفتن تأکید با توجه به سیاق کلی خطبه - که توییخ و ملامت مخاطبان به سبب حماقت و جهل و تبعیت از ناهالان است - نشان از این واقعیت دارد که مخاطبان، منکر این زشتی‌ها در بین مردم بصره نبودند. از این‌رو، حضرت از چند جمله اسمیه ثبوتیه، در اثبات حماقت آنان بهره می‌گیرند.

تأثیر بافت موقعیتی به ویژه وجود خطیب و سوابق ایشان (ع) در این قسمت کاملاً هویداست و اوج این تأثیر در واژگان بافت متنی این بند، در استفاده از جملات پی‌درپی اسمیه و تأکید بر ردالت عمومی بصریان و ناهنجارها و کج‌روی‌های فراگیر آنان تبلور دارد؛ چرا که جمله اسمیه دال بر ثبوت و همیشگی معنایی دارد. به عبارت دیگر، حضرت با استفاده از این جملات اسمیه از نوع خبر ابتدایی، انسجام واژگانی از نوع هم‌آیی و شمول معنایی در اخبار شش‌گانه «أخلاقکم دقاق»، «عهدکم شقاق»، «دینکم نفاق»، «ماؤکم زعاق»، «المقیم بین أظهرکم مرتهن بذنبه»، و «الشأخص عنکم متدارک برحمه من ربّه»، بصریان را به صورت تحکمی مطیع محض خود (ع) نشان می‌دهند.

یعنی به خاطر اشتباهات مسلم خود در حماقتشان و به خصوص بعد از قبول شکست نظامی (بافت موقعیتی) به ناچار در آن برهه‌ی کوتاه زمانی، جهت فرار از فضای سرزنش و توییخ فراگیر، شرایط خود را ملزم به اطاعت از امام (ع) نشان دادند. بنابراین، این چارچوب فکری در اثر معرفت زمینه‌ای موقتی پدید می‌آید. هم‌چنین بسامد تکرار انتخاب جملات اسمیه به صورت کلی در عبارات مذکور، در راستای تأکید رابطه‌ی زبان و قدرت حرکت می‌کند.

با این تحلیل می‌توان به بررسی پدیده‌های زبانی و اعمال گفتمانی نظیر کارکرد جملات اسمیه و تأکید لفظی و محتوایی آن، به فرایندهای ایدئولوژیک در گفتمان، رابطه بین زبان و قدرت پی برد و ثابت نمود که عناصر زبانی و غیرزبانی به همراه دانش زمینه‌ای کنشگران و مشارکین خطبه، موضوع و هدف بافت متنی را مشخص می‌کند.

از موارد دیگر بافت موقعیتی در این بند می‌توان به بینامتنیت قرآنی در دو واژه‌ی «شقاق» و «نفاق» اشاره کرد که بعد سرزنش و توییخ بصریان، به عنصر ایدئولوژیکی بینامتنیت قرآنی استدلال شده است. این نحوه استفاده از بینامتنیت از موضع قدرت و تبیین گفتمانی مورد استفاده قرار گرفته است؛ چرا که قداست معنایی و رواج عقیده خود به خود تولید قدرت می‌کند. خطیب برای این که بتواند ایده‌های خود را به مخاطبان تبیین نماید، از

آیات قرآنی، احادیث و سایر متون مقدس و مورد علاقه‌ی مشارکین استفاده می‌کند تا از موضع قدرت و ایدئولوژیک برای اثبات معانی، عقاید و اهداف خود در اذهان شنوندگان بهره ببرد. این کنش (بینامتنیت) نوعی بافت موقعیتی است و چون هر متنی در شرایط و موقعیت خاصی تولید می‌شود، رنگ ماتن را به خود می‌گیرد. در واقع این نوع متن، مرتبط و وابسته به یک منبع قدرت یا اقتدار مذهبی و اخلاقی است. از همین منظر می‌توان جایگاه این گفتمان را نسبت به مبارزات در سطوح گوناگون نهادی، اجتماعی و موقعیت فرهنگی مشخص کرد.

باید توجه داشت که کلام علی (ع) با توجه به باورهای فرهنگی، مذهبی و اجتماعی مخاطب ایراد گردید. از این رو، ایشان غیرت اهالی بصره را مورد تمسخر قرار دادند و اخلاقتشان را تحقیر کردند و با بیان دو واژه‌ی قرآنی «شقاق» و «نفاق»، اصل دین آنان را نیز زیر سؤال بردند:

«إِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ.» (الحج، ۵۳)

«قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ (فصلت، ۵۲)  
«وَيَا قَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ  
وَمَا قَوْمُ لُوطٍ مِنْكُمْ بِبَعِيدٍ.» (هود، ۸۹)

خداوند برای ستم‌کاران و کافران، آنانی که منکر نازل شدن قرآن از سوی حضرت حق هستند و برای قوم شعیب که در مخالفت و آزار پیامبر خود اصرار می‌ورزیدند لفظ «شقاق» را به کار می‌برند و حضرت علی (ع) نیز با به کار بردن چنین صفتی برای مردم بصره، آن‌ها را هم‌تراز مخاطبان قرآنی این لفظ قرار می‌دهند. همچنین، حضرت دین و روش مردم بصره را منافقانه برمی‌شمردند و فرجام ناگوار مردم بصره را با واژه‌ی نفاق به تصویر می‌کشند و از آنان انتقاد می‌کنند؛ چرا که خداوند نیز در آیاتی، زشتی کردار و عاقبت ناگوار منافقان را به آنان هشدار می‌دهد.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفْرَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبئسَ المَصِيرُ (توبه، ۷۳). / لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ (الاحزاب، ۷۳) / «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ» (منافقون، ۱)

خداوند در این آیات پیامبر اکرم (ص) را به جهاد با کافران و منافقان دعوت می‌کند و منافقان را با کافران هم ردیف می‌آورد، آنان را دروغگو می‌شمارد و به عذاب اخروی

هشدارشان می‌دهد. حضرت علی (ع) نیز با منافق دانستن مردم بصره جنگ با آنان را هم‌طراز جنگ با کفار می‌داند و با دروغگو برشمردن آن‌ها، به عذاب الهی هشدارشان می‌دهند.

بعد از آن که حضرت خلق و خو و رفتار مردم بصره را به زیبایی و همراه با ظرافت خاص مورد انتقاد قرار می‌دهند به بیان مشخصات محیط طبیعی بصره (بافت موقعیتی) که جنگ جمل در آن بر پا شده است، می‌پردازند و این مسأله یکی از جالب‌ترین مسائل علمی در جامعه‌شناسی است که تأثیر محیط طبیعی را در وضع روانی مردم با وضوح کامل مطرح می‌کند (جعفری، ۱۳۵۸، ج ۳: ۲۶۴).

ایشان می‌فرمایند «مَأْوُكُمْ زُعَاقٌ» یعنی آب آشامیدنی شما تلخ و بدمزه است که از فرط بدمزگی قابل نوشیدن نیست (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۰: ۱۴۱). علت این امر نزدیکی به دریاست که سبب بیماری‌های بسیار جسمی و کُندفهمی نیز می‌گردد (فیض الاسلام، ۱۳۸۱: ۵۹).

افزایش تندی ملامت و سرزنش مردم بصره از سوی مولا علی (ع) به صورت اسمیه بودن جملات، که نشان از ثبوت اخلاق پست، و شکستن عهد و پیمان توسط مردم بصره و آیین منافقانه‌ی آن‌ها می‌باشد و خارج شدن جملات خبریه از اغراضی اصلی خود به سمت اغراضی ملامت‌آمیز و سرزنش‌گرانه از یک سو و وجود سجع متوازی بین الفاظ «دِقَاق، شِقَاق، نِفَاق و زُعَاق» از سوئی دیگر جلوه‌ای از هنرنمایی بافت متنی علی (ع) در این فراز از خطبه است.

وَالْمُقِيمِ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ مُرْتَهَنٌ بِذَنْبِهِ وَالشَّائِخِصُّ عِنْدَكُمْ مُتَدَارِكٌ بِرَحْمَةٍ مِنْ رَبِّهِ.  
-آن کس که بین شما ماند، کیفر گناهی است که بیند و آنگاه که کوچ کند، دوباره مشمول رحمت خدا گردد.

واژه‌ی «بین اظهر الناس»، به معنای زندگی کردن در میان جمعی و مورد حمایت بودن از سوی آن جمع است؛ کسی که در میان مردم بصره زندگی کند، به گناه گرفتار می‌شود؛ زیرا کسی که در میان آن‌ها زندگی کند ناگزیر است به روش آن‌ها درآید و آداب و رسوم آن‌ها را بپذیرد و در نتیجه از اخلاق آن‌ها متأثر و به گناه گرفتار شود (ابن میثم، ۱۳۸۸، ج ۲: ۸۶).

در این قسمت از خطبه، حضرت با ظرافت و زیبایی خاص و با اقتباس از مفاهیم و آموزه‌های قرآن و احادیث شریف نبوی مردم را نسبت به ترک فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر بر حذر داشتند و به افرادی که در راه خدا مهاجرت نمایند، مژده‌ی رحمت دادند.

اینکه حضرت فرمود هر کسی در میان بصری‌ها بماند، مستحق عقوبت به گناه است و خارج‌شوندگان از بین آن‌ها به رحمت پروردگار دست پیدا می‌کنند ناظر بر این مفهوم است که به فرموده‌ی رسول اکرم هم‌نشینی و اختلاط با اهل معصیت و ترک امر به معروف و نهی از منکر هم ردیف خود آن گناه و گناهکار است (هاشمی خوئی، ۱۳۸۶، ج ۳: ۱۹۳). رسول اکرم فرمودند: در شب معراج دیدم که لب‌های گروهی را با قیچی می‌برند. پرسیدم این‌ها چه کسانی هستند؟! گفتند: کسانی هستند که زبان نهی از منکر داشتند ولی نهی نکردند (تویسرکانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ۲۵۸)

همچنین قرآن کریم در رابطه با فضیلت مهاجرت در راه خدا می‌فرماید: *إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ* (البقره، ۲۱۸). علی (ع) با اقتباس از این آیه‌ی شریفه، به مردم بصره مژده می‌دهند که هر کس جماعت معصیت‌کار را در دیار خود برای دوری از گناه، ترک نماید، می‌تواند به رحمت الهی امیدوار باشد. ایشان از این طریق اوج خبائثت و پستی مردم بصره را به رخ آن‌ها می‌کشند که حتی زندگی کردن در میان اهل بصره موجب گرفتار شدن می‌شود و ممکن است رذالت آن‌ها به دیگران نیز سرایت کند.

#### جدول فراوانی کاربرد جملات اسمیه، فعلیه و بینامتنی قرآنی

جملات فعلیه	۱- رغا فأجتم ۲- عقر فہریتم	با توجه به معنای حدوثیه و آنی بودن و غیر دوام جملات فعلیه و با توجه به شأن مخاطبان این دو جمله، می‌توان به شخصیت بدون ثبات بصریان و فریب‌خوردن آنان پی برد.
جملات اسمیه	۱- کنتم جند المرأة و ... ۲- أخلاقکم دقاق ۳- عهدکم شقاق ۴- دینکم نفاق	با توجه به معنای ثبوتیه و دوام جملات اسمیه و تعداد نسبتاً زیاد این نوع جملات در کلام حضرت، می‌توان به

<p>ثبات شخصیت بصریان در این امور منفی پی برد.</p>	<p>۵- ماؤکم زعاق ۶- المقیم بین أظهرکم مرتهن بذنبه ۷- الشأخص عنکم متدارک برحمه من ربه ۸- کأنی بمسجدکم کجؤجؤ سفینه قد بعث...</p>	
<p>با توجه به دو واژه بینامتنیت قرآنی در کلام حضرت، می‌توان به تصریح کرد که بعد سرزنش و توبیخ بصریان، به عنصر ایدئولوژیکی بینامتنیت قرآنی استدلال شده است. این نحوه استفاده از بینامتنیت از موضع قدرت و تبیین گفتمانی مورد استفاده قرار گرفته است.</p>	<p>۱- شقاق ۲- نفاق</p>	<p>بینامتنیت قرآنی در دو واژه</p>

کَأَنِّي بِمَسْجِدِكُمْ كَجَوْجُؤِ سَفِينَةٍ ، قَدْ بَعَثَ اللَّهُ عَلَيْهَا الْعَذَابَ مِنْ فَوْقِهَا وَمِنْ تَحْتِهَا ، وَغَرِقَ مَنْ فِي ضِمْنِهَا:

گویا هم اکنون مسجدتان را می‌بینم که در میان امواج آب چون سینه کشتی است، خدا عذاب را از فراز سر شهر و از فرودش فرستاده هر که را درون آن است در آب فرو برده است

در تحلیل بافت متنی این فراز از خطبه شاهد آن هستیم که حضرت به زیباترین وجه ممکن و با بهره‌گیری از فن تشبیه شدت عذابی را که قرار است بر مردم بصره وارد شود را به آن‌ها گوشزد می‌نماید.

ایشان(ع) در این فراز، از ایجاز حذف بهره می‌برند و فعل أَبْصِرُ را حذف می‌نمایند و به جای جمله‌ی کَأَنِّي أَبْصِرُ بِمَسْجِدِكُمْ می‌فرمایند کَأَنِّي بِمَسْجِدِكُمْ تا ذهن مخاطب، مستقیماً به مسجد و خبری که می‌خواهند از آن بدهند سوق داده شود. هم‌چنین مسجد شهر بصره را در هنگامه‌ی نزول بلا و سیل به سان سینه‌ی یک کشتی تشبیه فرموده‌اند که در تلاطم سیل و طوفان در حال غرق شدن است.

در واکاوی دو طرف این تشبیه باید بیان نمود که حضرت از تشبیه حسی سود جسته‌اند و در تشبیه مسجد به جَوْجُؤِ سَفِينَةٍ، دو طرف تشبیه مفرد به مفرد مقید می‌باشد. اما نکته‌ی

بارز این تشبیه از جهت وجه این است که وجه شبه، از نوع بعید غریب می‌باشد و آن تشبیهی است که انتقال از مشبّه به مشبّه‌به، نیاز به تفکر و باریک‌اندیشی دارد چون وجه شبه آن در نگاه اولیه پوشیده است (هاشمی، ۱۳۸۸: ۴۸)؛ چرا که وجه شبه در این تشبیه هیئتی است پدید آمده از حالت مسجد شهر که در هنگام سیل مانند کشتی در حال غرق شدن در دریای متلاطم و طوفانی، که هر لحظه به غرق شدن در زیر آب نزدیک می‌شود. ژرف‌نگری دیگر این عبارت از جهت بافت متنی، این است که حضرت(ع) در این تشبیه، از تشبیه تمثیل نیز سود جست‌ه‌اند چون وجه شبه آن دارای تفصیل و برگرفته از امور مختلف است که نیاز به ژرف‌اندیشی دارد.

از سوی دیگر، حضرت علی(ع) برای این که به وقوع پیوستن عذاب الهی نزدیک بودن و حتمی بودن آن را به مردم بصره خبر دهند، از افعال ماضی(روایی) به جای افعال مضارع استفاده کردند. تعبیر از مضارع با لفظ ماضی اهدافی دارد که در این جا آگاهی نسبت به تحقق وقوع فعل و یا نزدیکی وقوع فعل را نشان می‌دهد (هاشمی، ۱۳۸۸: ۴۳۶).

از این رو حضرت فرمودند: قَدْ بَعَثَ اللَّهُ عَلَيْهَا الْعَذَابَ ... و در ادامه می‌فرمایند غَرِقَ مَنْ فِي ضَمْنِهَا. در صورتی که اگر افعال مضارع مثل یبعث و یغرق به کار می‌بردند حتمی بودن نازل شدن عذاب و نزدیکی به وقوع پیوستن آن از کلام برداشت نمی‌شد.

در این فراز بعد از آن که حضرت با استفاده از تشبیه، میزان عذاب و چگونگی آن را بیان می‌دارند و سپس حتمی بودن آن را به تصویر می‌کشند، با استفاده از الفاظی هم‌چون: مِنْ فَوْقِهَا، مِنْ تَحْتِهَا و مَنْ فِي ضَمْنِهَا، با استفاده از فن اطباب، فراگیر بودن عذاب را برای تمامی قسمت‌های شهر و ساکنان آن بیان می‌دارند.

ایشان(ع) با این تأکید و پیشگویی باعث شگفتی بصریان شدند؛ چرا که مردم تاکنون انتظار داشتند پیامبر یا وصی یک پیامبر از حوادث آینده خبر دهد، نه این که یک حاکم به پیش‌گویی پردازد، حضرت با این همه تأکید درصدد القای این مطلب نیز هستند که ایشان جانشین و وصی بر حق نبی مکرم اسلام می‌باشند و این علم و قدرت را از محضر مبارک پیامبر(ص) به ارث برده‌اند و از این طریق خواستند اعتقادات اهل بصره را نیز به باد انتقاد گیرند؛ چرا که اگر آنان اهمیتی برای پیامبر و جانشینش قائل بودند، به جنگ و نبرد با علی(ع) اقدام نمی‌کردند.

علی(ع) آن جا که به پیش‌گویی حوادث بصره می‌پردازد و به مردمانش در رابطه با به وقوع پیوستن عذاب، هشدار می‌دهد، به این نکته نیز در بطن کلام خود اشاره دارند که

ایشان به اذن خداوند، آگاه به حوادث آینده و دارای علم غیب می‌باشند (مجلسی، بی‌تا، ج ۳: ۱۵)؛ چرا که امام صادق (ع) در همین راستا اشاره دارند که علم آن چه تا روز قیامت واقع می‌شود از راه وراثت، از رسول خدا (ص) به ما عطا شده است (کلینی، بی‌تا، ج ۱: ۳۸۸).

بدیهی است علی (ع) که طبق آیه قرآن کریم (آل عمران، ۶۱) هم‌طراز نفس و جان شیرین پیامبر می‌باشد و در جریان روز مباحله نبی مکرم اسلام (ص) ایشان را به عنوان عزیزترین فرد در نزد خود معرفی نمودند (زمخشری، ۱۳۸۹، ج ۱: ۴۵۲)؛ از این رو بسان ایشان باید دارای برتری‌های علمی باشند.

«حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) با این پیش‌گویی‌ها و بیان این سوگند و تأکیدات مجموعه‌ای از آیات و روایاتی که به علم و مقام حضرتش اشاره دارند را نیز به مردم بصره یادآور شدند تا مردم پیمان‌شکن و فتنه‌انگیز آن دیار به خود آیند که مقابل چه شخصیت عظیم و گران‌قدری به جنگ و نبرد و دشمنی پرداخته‌اند» (صفار قمی، ۱۴۰۴: ۵۶).

از نظر تاریخی، شهر بصره دو بار در آب غرق شد: یکی در زمان خلافت القادر بالله عباسی و دیگری زمان القائم بامرالله؛ همان‌گونه که امام خبر داد تنها قسمت بالای مسجد جامع بصره چون سینه‌ی مرغی از روی آب پیدا بود (دشتی، ۱۳۸۳: ۳۷) در برخی از روایات فراز آخر خطبه این‌گونه نیز آمده است: «بِلَادِكُمْ أَنْتُنَّ بِلَادِ اللَّهِ تُرْبُهُ، أَقْرَبُهَا مِنَ الْمَاءِ وَأَبْعَدُهَا مِنَ السَّمَاءِ»

در قسمت ابتدایی این فراز از خطبه، حضرت اذعان می‌فرمایند که شهر بصره بدبوترین خاک را دارد و این نیز به خاطر رسوب فراوان آب و گندیده شدن آن است. حضرت با اشاره به این نکته سعی دارند تأثیر عوامل زیست‌محیطی را بر افکار و اخلاق انسان‌ها به اثبات برسانند؛ مطلبی که امروزه از آن با عنوان علم اکولوژی نام برده می‌شود (همان).

همچنین، حضرت (ع) به مردم بصره می‌فرمایند که شهرشان از همه جا به آب نزدیک‌تر و از آسمان دورتر است. نزدیکی زمینشان به آب اشاره به این است که زمین بصره از سطح دجله پست‌تر است و به دریا نزدیک، دجله نسبت به آن بلندتر است و این وضعیت دلیل سرازیر شدن آب به باغ‌ها و آب دادن نخلستان‌ها روزی یک یا دو بار است. اما دور بودن بصره از آسمان به دلیل پست‌تر بودن آن از سرزمین‌های دیگر است. گفته‌اند دورترین نقطه‌ی زمین از آسمان زمین‌های کنار دریاست و این از چیزهایی است که علم رصد بر آن دلالت دارد و علمای نجوم با استدلال آن را ثابت کرده‌اند.



کلام امام علی (ع) در این جا برای نکوهش است و نظر به معنای ظاهری ندارد. چون اهل بصره دارای اوصاف نکوهیده‌ای بوده‌اند که حضرت آن‌ها را برشمرد، به این دلیل از نزول رحمت آسمان وجود الهی به دورند و مستحق نزول عذاب الهی‌اند. در عرف نیز صحیح است به کسی که دارای اوصاف پست باشد گفته می‌شود که از آسمان به دور است (ابن میثم، ۱۳۸۸، ج ۳: ۸۷-۹۰).

## ۷- نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های این مقاله، می‌توان به نتایج ذیل دست یافت:

۱. امام علی (ع) در خطبه‌ی خود انواع فنون مختلف بلاغی و ادبی و خطابی را به کار می‌گیرند تا بر تأثیر سخنان خود بر مردم بصره، بیفزایند و آنان را از خواب غفلت بیدار کنند و شرایط گمراهی خواص را برایشان نمایان سازند.
۲. دانش زمینه‌ای مهمی که باعث می‌شود بصریان در یک فضای کاملاً مخوف و سرزنش‌گر، سخنان خطیب را سراپا گوش باشند، جهان‌بینی مشترک امام سجاد (ع) و مشارکین و شنوندگان خطبه به عاقبت دنیا و زوال آن است.
۳. تنوع فرایندهای فعلی، نشانه‌ی تغییر فضای حاکم بر خطبه توسط خطیب است. از این رو، عدم تغییر فرایندهای فعلی و استفاده از افعال رابطه‌ای و مادی، در بیشتر افعال این خطبه، نشان از این دارد که ایشان (ع) به دنبال تغییر فضای حاکم بر خطبه نیستند تا فضای سرد و سخت تویخ و ملامت بر بصریان استمرار یابد.
۴. ایشان (ع) برای تبیین ایده‌های خود به مخاطبان، از آیات قرآنی، احادیث و سایر متون مقدس (بینامتنیت) مشترک با مشارکین استفاده می‌کنند تا از موضع قدرت و ایدئولوژیک برای اثبات عقاید و اهداف خود در اذهان شنوندگان بهره ببرند.
۵. کلیه‌ی بافت‌های متنی و ساختارهای اسلوبی این خطبه متناسب با بافت موقعیتی و شناخت کامل خطیب از شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه بصره شکل گرفته و به همین جهت به بهترین شکل، کل خطبه با مقتضای حال مشارکین مطابقت می‌کند.
۶. سیاق عمومی و فضای کلی این خطبه سرزنش و مذمت اهالی بصره است که به دلیل عدم شناخت کافی از جایگاه و سجایای اخلاقی حضرت علی (ع) و در پی

فتنه‌انگیزی‌های خواصی هم‌چون ام‌المؤمنین عایشه، طلحه و زبیر به جمع مخالفان علی (ع) پیوستند و بر طبل جنگ جمل کوفتند. حضرت (ع) در فرازهایی از این خطبه، هنجارهای فرهنگی و اجتماعی پذیرفته شده در میان مردم بصره را در نظر گرفتند و از همان نقطه آنان را مورد نقد قرار دادند. بنابراین، بیان زیبایی‌های ادبی و لفظی در این خطبه در حیطه‌ی تحلیل متن و اثبات وجود هماهنگی بین کلام و موقعیت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و بیان معارف دینی و آموزه‌های اخلاقی و اعتقادی در ورای ظاهر کلام، از نکات برجسته‌ای است که در این مقاله با هدف تحلیل موقعیت تبلور دارد.

## منابع و مأخذ

- ابن میثم، بن علی میثم بیحرانی، (۱۳۸۸ ش)، شرح نهج‌البلاغه، ترجمه‌ی قربانعلی محمدی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ سوم.
- ابن ابی الحدید، (۱۴۲۵ق)، شرح نهج‌البلاغه، بیروت: مؤسسة العالمی للمطبوعات.
- ابن رشد، (۱۹۶۷) تلخیص الخطابه، چاپ محمد سلیم سالم، قاهره.
- ابن سینا، (۱۳۷۳) الشفاء، المنطق، ج ۴، چاپ ابراهیم مدکور و محمد سلیم سالم، قم.
- ابن منظور، محمدبن مکرم، (۱۴۰۵ ق)، لسان العرب، قم: نشر ادب الحوزه.
- بهرام‌پور، شعبانعلی، (۱۳۷۹ ش)، درآمدی بر تحلیل گفتمان، تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان تاجیک، محمدرضا، (۱۳۷۹). گفتمان و تحلیل گفتمانی، چاپ اول، انتشارات فرهنگ گفتمان.
- تویسرکانی، محمدنبی، ثالی الاخبار، قم، ۱۳۷۴
- پالمر، فرانک (۱۳۹۱)، نگاهی تازه به معناشناسی، ترجمه‌ی کوروش صفوی، چاپ ششم، تهران: کتاب ماد وابسته به نشر مرکز.
- جردق، جرج، (بی‌تا)، شگفتی‌های نهج‌البلاغه، ترجمه‌ی فخرالدین حجازی، تهران: انتشارات بعثت.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۳۶۳ ش) الجوهر النضید فی شرح منطق التجرید، قم.
- خمیری، حسین. (۱۹۹۹)، بنیه الخطاب التقدی. الكويت: عالم‌المعرفة.
- دائل دایان، مک، (۱۳۸۰ ش)، مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان، ترجمه‌ی حسین علی نودری، تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.
- دشتی، محمد، (۱۳۸۳ ش)، ترجمه‌ی نهج‌البلاغه، قم: مؤسسه‌ی فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع)، چاپ هجدهم.
- زمخشری، جارالله، (۱۳۸۹ ش)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ترجمه‌ی مسعود انصاری، تهران: انتشارات ققنوس.

- ساسانی، فرهاد (۱۳۸۹)، *معناکاوی به سوی نشانه شناسی اجتماعی*، تهران: نشر علم.
- صفار قمی، محمدبن حسن فروخ، (۱۴۰۴ ق)، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص)*، قم: مکتبه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- ضیایی، علی اکبر، (۱۳۷۷ ش)، *آئین سخنوری و نگرشی بر تاریخ آن*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- طالقانی، محمود، پرتوی از نهج البلاغه، تصحیح محمد مهدی جعفری، تهران، چاپ انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
- فارابی، محمدبن محمد (۱۴۰۸) *المنطقیات للفارابی*، چاپ محمدتقی دانش پزوه، قم.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، چاپ مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، قم ۱۴۰۵.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، *تحلیل انتقادی گفتمان*، ترجمه‌ی شایسته پیران و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- فرزاد، عبدالحسین (۱۳۸۸)، *درباره‌ی نقد ادبی*، چاپ پنجم، تهران: نشر قطره.
- فیض الاسلام، علی نقی، (۱۳۸۱ ش)، *ترجمه‌ی نهج البلاغه*، تهران: انتشارات فقیه.
- قزوینی، سید محمدکاظم، (۱۳۸۶ ش)، *علی (ع) من المهدی الی اللحد*، ترجمه‌ی علی کرمی، قم: انتشارات دلیل ما، چاپ چهارم.
- کاشانی، مولی فتح الله، (۱۳۶۴ ش)، *تنبیه الغافلین و تذکره العارفين*، تهران: انتشارات میقات.
- کلینی، محمدبن یعقوب، (بی تا)، *اصول کافی*، ترجمه‌ی سید جواد مصطفوی، تهران: انتشارات علمیه اسلامیة.
- گرچی، مصطفی (۱۳۹۰)، *آیین پژوهش در زبان و ادبیات با رویکرد به منظرهای شش گانه*، تهران: انتشارات کلک سیمین.
- لطفی پور ساعدی، کاظم (۱۳۷۱ ش)، «درآمدی به سخن کاوی»، *مجله‌ی زبان‌شناسی*، سال نهم، شماره‌ی اول، صص ۹-۳۹.
- مجلسی، محمدباقر، (بی تا)، *حیوة القلوب*، تهران: انتشارات علمیه اسلامیة.
- مکاریک، ایرناریما (۱۳۸۴)، *دانش نامه‌ی نظریه‌های ادبی معاصر*، ترجمه‌ی مه‌ران مهاجر و محمد نبوی، تهران: نشر آگه.
- نویری، شهاب‌الدین احمد، (۱۳۶۴ ش)، *نهایة الارب فی فنون الادب*، ترجمه‌ی محمود مهدوی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- هاشمی، احمد، (۱۳۸۸ ش)، *جواهر البلاغه*، ترجمه‌ی حسن عرفان، قم: نشر بلاغت، چاپ یازدهم.
- هاشمی خوئی، میرزا حبیب‌الله، (۱۳۸۶ ق)، *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه*، تهران: انتشارات مکتب الاسلامیه.